

خصوصی سازی، مفهوم‌ها، فرصت‌ها و چالش‌ها

P Privatization, Concepts, Opportunities and Challenges

چکیده:

یکی از اصل‌های اقتصاد پویا و همچنین از پیش‌فاکتورهای توسعه‌ی اقتصادی کشورهای در حال توسعه‌ی دنیا "خصوصی‌سازی" است. خصوصی‌سازی فرایند سپردن اولویت‌ها به‌دقت سازوکار بازار و بازارگرا کردن آن‌ها است و طیف گسترده‌ای را شامل می‌شود که یکسوی آن خصوصی‌سازی کامل و سوی دیگر تجدید ساختار بنگاه‌های تحت مالکیت دولت است. در نظام اقتصادی این امر نیازمند اصلاح ساختار مالی و اداری، تعدیل نیروی انسانی و به‌کارگیری نیروی توانمند، حذف یا کنار آمدن با قانون‌ها و مقررات دست‌وپاگیر دولتی و... است که تنگناهای عمده‌ی اقتصادی موجود را رفع یا تعدیل کند و در نهایت موجب افزایش کارایی اقتصادی و تولیدی شود. این امر مستلزم مدیریت کارآمد است. با این‌وجود نظر به ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ توسط مقام معظم رهبری و تأکید ایشان بر تقویت بخش خصوصی و نقش بی‌بدیل بخش خصوصی کارآمد در تحقق الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، در این مقاله سعی شده است ضمن تشریح اصول و هدف‌های اساسی برای موفقیت در فرایند خصوصی‌سازی، عامل‌ها و معیارهایی که اصلاح یا کنترل (مدیریت) آن‌ها، شرایط پیاده‌سازی موفقیت‌آمیز این فرایند در سیستم اقتصادی و تولیدی را فراهم می‌آورد، تشریح شود.

واژه‌های کلیدی: خصوصی‌سازی، الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، بهره‌وری، اصل ۴۴، کاهش حجم دولت، رقابتی کردن.

نوع مقاله: پژوهشی

روزبه حبیبی

استادیار گروه مدیریت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

* عهده‌دار مکاتبات:

drhabibir@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۶/۹/۴

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۱/۷

مقدمه

در اقتصاد، به سود بخش خصوصی، در حال تعدیل و کاهش است. کشورها به‌خوبی دریافته‌اند که استقلال سیاسی آنان در گروهی استقلال اقتصادی‌ست و رسیدن به استقلال اقتصادی نیز با محوریت بخش خصوصی و نقش شایسته‌ی آن در رشد و توسعه‌ی

تجربه‌های اقتصاد جهانی و جایگاه دولت در اقتصاد حاکی از آن است که کشورهای دنیا در اداره و مدیریت اقتصاد و دستیابی به یک اقتصاد پویا، بیشترین استفاده از توانایی‌های جامعه را هدف گرفته‌اند، به‌نحوی که سهم دولت

اقتصادی امکان‌پذیر است.

تجربه‌های کشورها همچنین نشان داده است که بین رشد و توسعه‌ی اقتصاد، با زیاد بودن انسان‌های اقتصادی یا به معنای امروزی "بخش خصوصی"، همبستگی مثبت وجود دارد؛ زیرا کشوری که دارای تعداد زیادی انسان‌های اقتصادی کارآفرین باشد، از محرک‌های تجاری و اقتصادی قوی‌تری برخوردار است. افزون‌بر این، صرفه‌جویی در مصرف منابع که یکی از روش‌های متداول ارتقای بهره‌وری نیروی انسانی، سرمایه و منابع طبیعی در اقتصاد هر کشور است، به‌طور عموم در بخش خصوصی اتفاق می‌افتد و این بخش ماهیتاً صرفه‌جو و به‌دنبال بهینه‌کردن هزینه‌هاست.

چنان‌که بیشتر اقتصاددانان پیش‌بینی می‌کنند، قرن حاضر عرصه‌ی شدید رقابت در بازارهای بین‌المللی خواهد بود و اگر بسترهای لازم برای ورود اقتصاد ایران به عرصه‌های رقابتی جهانی فراهم نشود، ضربه‌های شدیدی به اقتصاد کشور وارد خواهد شد که جبران‌ناپذیر است. بنابراین رها ساختن دولت از هر نوع وظیفه‌ی اجرایی تا آنجا که بتواند به تنظیم سیاست‌ها و برنامه‌های دورنگر و آینده‌مبادرت ورزد و بر اجرای سیاست‌ها و استراتژی‌های تعیین‌شده نظارت کند و دربرابر، توان‌مندسازی بخش خصوصی و جلب مشارکت مؤثر آن در تصدی‌گری بنگاه‌های دولتی و نیز گرایش به سمت رقابت در بخش‌های گوناگون اقتصادی، برای حضور معنادار در بازارهای بین‌المللی از ضرورت‌های محتوم اقتصاد ایران است.

مهم‌ترین عامل زیرساز در طراحی سیاست‌های توسعه‌ی اقتصادی یک کشور، تعیین حدود و برجستگی نقش بخش عمومی و خصوصی در فرایند تحول‌های اقتصادی‌ست؛ بنابراین پیش از انتخاب سیاست‌های گوناگون توسعه، باید چارچوب این حوزه‌ها تعیین و وزن هر بخش، در انواع فعالیت‌های اقتصادی مشخص شود. تعیین وزن هر بخش

در هر نوع فعالیت به عامل‌های بسیار داخلی و خارجی بستگی دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: ایدئولوژی حاکم و هدف‌های موردنظر دولت، شرایط اقتصادی جهان و قطب‌بندی‌های آن، ظرفیت و توانایی‌های بخش عمومی و خصوصی کشور و درجه‌ی توسعه‌یافتگی اقتصاد (عرب مازار، ۱۳۷۴).

از راه خصوصی‌سازی و ایجاد محیط رقابتی می‌توان تولیدکننده را مجبور به تولید و فروش با کمترین قیمت کرد. مزیت بخش خصوصی این است که از راه رقابت- و نه مقررات کنترل‌کننده- می‌توان آن را زیر فشار قرارداد تا محصول را با کمترین قیمت تولید کند. این امر در ساختار دولتی امکان‌پذیر نیست؛ بنابراین خصوصی‌سازی منجر به کاهش هزینه‌ها و رشد نوآوری و در نتیجه کاهش قیمت کالاها می‌شود. از سوی دیگر، تورم به‌دلیل فشار هزینه کنترل می‌شود و جامعه از آن سود می‌برد و البته امکان صادرات هم فراهم می‌شود، زیرا کالایی را می‌توان صادر کرد که به قیمت رقابتی تولید شود (بهکیش، ۱۳۸۱).

اگرچه تئوری کلاسیک، پیوسته درجهت محدود بودن دخالت دولت در امور اقتصادی تأکید داشته است، ولی طی دهه‌های پس از پایان جنگ جهانی دوم، دخالت در اقتصاد به‌حدی افزایش یافت که دولت‌ها در بیشتر اقتصادهای آزاد و مختلط، مانند اقتصادهای برنامه‌ای، از راه اهرم‌های اجرایی خود (بنگاه‌های دولتی) نقش فعالی را ایفا کردند. کشورهای صنعتی با اجرای سیاست‌های کلان و خرد اقتصادی، در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی موفقیت‌های نسبی به دست آوردند، به‌همین دلیل به انتقادهای محدود در آن مقطع زمانی نسبت به دخالت دولت در اقتصاد، اهمیت چندانی داده نشد. با نزدیک شدن به پایان دهه‌ی ۷۰ میلادی، دست‌کم در جهان غرب، شاهد مشکل‌های بسیار اقتصادی و ناکامی‌های مستمر سیاست‌های اقتصادی بودیم که زمینه‌ی طرح انتقاد

می‌شود، زمینه‌ی پیاده‌سازی هدف‌های بسیار مهم، از جمله سرعت یافتن روند رونق اقتصادی و توسعه‌ی کشور، اجرای عدالت اجتماعی، فقرزدایی و دستیابی به هدف‌های سند چشم‌انداز بیست‌ساله را فراهم می‌کند و قرار شد در پرتو این سیاست‌ها، نقش دولت از مالکیت و مدیریت مستقیم، به سیاست‌گذاری، هدایت و نظارت تغییر یافته و بخش خصوص و تعاونی در اقتصاد توانمند شود تا ضمن توسعه‌ی سرمایه‌ی انسانی متخصص، بخش‌های گوناگون اقتصادی کشور برای رویارویی هوش‌مندانه با قانون‌های تجارت جهانی، در یک فرایند تدریجی و هدف‌مند تقویت شوند.

تعریف خصوصی‌سازی

خصوصی‌سازی فرایندی است که طی آن دولت امکان انتقال وظیفه‌ها و دارایی‌های خود را به بخش خصوصی فراهم می‌کند. این امر برقراری نظام جدید، بر اساس ساز کارهای بازار و در نتیجه دگرگونی و تحول در بُعدهای گوناگون جامعه را باعث می‌شود. خصوصی‌سازی در مفهوم اشاعه‌ی فرهنگی، به معنای فراهم کردن زمینه‌ی افزایش مشارکت مردم در امور اقتصادی و فرهنگی جامعه است؛ از این رو خصوصی‌سازی، اصطلاحی فراگیر و متنوع است که به کنترل فعالیت‌ها و موضوع‌های مالی مؤسسه‌های دولتی و واگذاری آن‌ها به بخش خصوصی اشاره می‌کند. به عبارت دیگر خصوصی‌سازی حذف هرگونه کنترل و دخالت مستقیم در برقراری سازوکار عرضه و تقاضاست. کنترل بنگاه‌های اقتصادی یا انتقال مالکیت از دولت به بخش خصوصی را هم می‌توان به عنوان تعریف خصوصی‌سازی پذیرفت (مهدی، ۱۳۸۷). این فرایند موقعیتی مناسب را برای مطالعه، بررسی و درک نظام حاکم بر سازمان آرشیوی فراهم می‌کند؛ چراکه رویدادی است که باعث ایجاد تغییرهای عمده در چارچوب حاکمیت و ساختار مالکیت سازمان‌ها می‌شود؛ بنابراین

و تردید نسبت به دخالت دولت در اقتصاد و تعیین اندازه‌ی مناسب دخالت، نظارت و هدایت دولت در اقتصاد فراهم شد. بدین ترتیب مجادله‌های نظری در محفل‌های علمی نسبت به دخالت دولت، متقاعدسازی مدیران و تصمیم‌گیران اجرایی و سیاسی کشورها نسبت به تخصیص غیربینه و ناکارآمد منابع تولید، در اثر گسترش حجم دولت و ایده‌ی بازنگری در سهم و اندازه‌ی دخالت دولت، جدی‌تر شد. سرانجام در پایان دهه‌ی ۷۰ و آغاز دهه‌ی ۸۰ میلادی در کشور انگلستان و به دنبال آن در سایر کشورهای صنعتی و تاحدی در کشورهای در حال توسعه، موضوع درپیش گرفتن سیاست خصوصی‌سازی و کاهش حجم دخالت دولت، به منظور رفع اختلاف‌ها و انگیزه‌های پیدایش آن‌ها مورد توجه جدی قرار گرفت.

در ایران پس از پایان جنگ ایران و عراق و آغاز اولین برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، سیاست خصوصی‌سازی به عنوان یکی از اجزای سیاست‌های اقتصادی کشور مطرح شد و اولین مجوز قانونی نسبت به محدود شدن اندازه‌ی دخالت دولت در اقتصاد و مشارکت بخش خصوصی در فعالیت‌های اقتصادی به تصویب رسید؛ اما تحرک واقعی و ساختاری در این حوزه، پس از ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ به دولت شروع شد؛ بنابراین در روز ۱۰ تیرماه سال ۱۳۸۵ و یک سال پس از ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، سیاست‌های کلی بند "ج" اصل چهارم قانون اساسی، درباره‌ی توسعه‌ی بخش‌های غیردولتی از راه واگذاری فعالیت‌ها و بنگاه‌های دولتی، به رئیس‌ان سه قوه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغ شد.

با ابلاغ این اصل اعلام شد که اجرای این سیاست استراتژیک که واگذاری ۸۰ درصد از سهام کارخانه‌ها و بنگاه‌های بزرگ دولتی مشمول اصل چهارم را شامل

واگذاری کنترل عملیاتی یا مالی مؤسسه‌های در مالکیت دولت به بخش خصوصی منجر می‌شود و همراه مالکیت، "قدرت" نیز به مردم منتقل می‌شود (پرکوپنکو، ۱۳۸۰).

۲- خصوصی‌سازی انتقال مالکیت مؤسسه‌ی دولتی به مؤسسه‌ی مستقل خصوصی‌ست (یک انتقال جزئی که مالکیت دوگانه نامیده شده است) (نووتنی، ۱۹۹۹).

۳- خصوصی‌سازی مجموعه اقدام‌ها و گام‌هایی‌ست که روش تبدیل موادخام به کالای مصرفی را تغییر می‌دهد. این فرایند شامل حذف اثر و کنترل دولت و جای‌گزینی آن با فعالان بخش خصوصی‌ست (دوکاس و دیگران، ۱۹۹۸).

چارچوب اقتضایی خصوصی‌سازی

تجربه‌ی خصوصی‌سازی در کشورهای گوناگون نشان می‌دهد که دو عامل اصلی مؤثر در خصوصی‌سازی نقش دارد:

۱- طبیعت بازار

۲- شرایط کلی جامعه.

در کشورهایی که ظرفیت قانونی پایین دارند یا در بازارهایی که گرایش‌های ذاتی به محدودیت برای رقابت از خود نشان می‌دهند، خصوصی‌سازی مشکل‌ترست و برعکس هرچه بازار برای مؤسسه‌هایی که منتقل خواهند شد، رقابتی‌تر باشد و هرچه محیط کلان اقتصادی بهتر و ظرفیت قانونی کشور بالاتر باشد، احتمال موفقیت برای خصوصی‌سازی بیشتر خواهد بود.

هرچه شرایط بازار و شرایط کشور بدتر باشد، نیاز برای به‌تعویق انداختن خصوصی‌سازی- تا زمانی که مسأله‌ها و مشکل‌ها حل شود- بیشتر است. در کشورهای درحال توسعه‌ی با درآمد پایین که ظرفیت‌های قانونی تعریف‌شده‌ی آن‌ها

خصوصی‌سازی، آزمایشی طبیعی برای بررسی و ارزیابی آثار تغییرهای ساختار مالکیت و نظام حاکمیت سازمان بر عملکرد سازمان است. سازوکارهای هدایت، کنترل و راهبری سازمان‌ها، پیش و پس از خصوصی‌سازی از موضوع‌های مهمی‌ست که باید به آن توجه شود (عیوضلو، ۱۳۸۸). با درنظر گرفتن این مفهوم‌ها می‌توان یک تعریف مشترک و کلی از این واژه ارائه کرد. خصوصی‌سازی فرایندی‌ست که طی آن کارایی سازوکار عرضه‌وتقاضا زندگی دوباره پیدا می‌کند و عملکرد اقتصادی و فرهنگی دولت و بخش عمومی در محک آزمون قرار می‌گیرد. این فرایند می‌تواند باعث محدودشدن مالکیت یا مدیریت برخی از سازمان‌های در مالکیت دولت شده و واگذاری آن به بخش خصوصی را منجر شود.

با نگاهی به تعریف‌های بسیار خصوصی‌سازی، مفهومی‌هایی مانند بهبود عملکرد، انتقال مالکیت و مدیریت، آزادسازی، کاربرمدار کردن سازمان‌های آرشیوی، ایجاد شرایط رقابت کامل و حذف مقررات دست‌وپاگیر دولتی را می‌توان از مهم‌ترین نتیجه‌های خصوصی‌سازی به حساب آورد (مهدی، ۱۳۸۷). به عبارت دیگر خصوصی‌سازی را می‌توان تلاشی درجهت پررنگ کردن نقش بازار در برابر تصمیم‌های دولت به‌عنوان کارگزار اقتصادی دانست (بهکیش، ۱۳۸۱). درواقع مفهوم خصوصی‌سازی گسترده‌تر از تغییر صرف مالکیت بنگاه‌های تولیدی‌ست. اندیشه‌ی اصلی در تفکر خصوصی‌سازی، حاکم‌کردن سازوکار بازار بر تصمیم‌های اقتصادی‌ست که نتیجه‌ی آن ایجاد فضای رقابتی برای بنگاه‌های خصوصی بوده و از این راه، کارایی بنگاه‌ها نسبت به بخش عمومی ارتقا پیدا می‌کند. بر پایه‌ی این ایده، تعریف‌ها، مفهوم‌ها و تئوری‌های بسیاری که دربرگیرنده‌ی ابعاد و هدف‌های گوناگون خصوصی‌سازی‌ست، ارائه‌شده که به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- خصوصی‌سازی اصطلاحی فراگیر و متنوع است که به

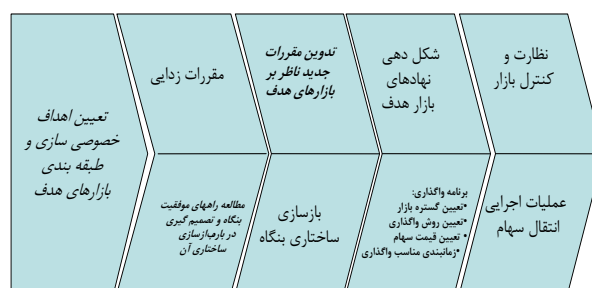
آن هستند.

هدف‌های خصوصی‌سازی در هر کشور با توجه به سیاست‌ها، برنامه‌های اقتصادی و راهبردهای کلی جامعه گرفته می‌شود و از آنجایی که راهبردها و برنامه‌های اقتصادی در کشورها متفاوت است، خصوصی‌سازی نیز در هر کشور به دنبال هدف‌های ملی و بومی ویژه‌ی آن کشور انجام می‌شود و ممکن است هدف‌های ویژه‌ی در اولویت قرار گیرد. در کشورهای صنعتی پیشرفته و توسعه‌یافته از نظر اقتصادی، فرایند خصوصی‌سازی به دنبال هدف‌هایی مانند افزایش کارایی، کسب درآمد و کاهش بار مالی دولت است، در حالی که در کشورهای در حال توسعه، با توجه به مشکلات و شرایط توسعه‌نیافتگی، خصوصی‌سازی به دنبال هدف‌های وسیع‌تری است و باید پاسخ‌گوی مشکل‌ها و تنگناهای بیشتری باشد. در این کشورها، بالا بردن کارایی تخصیص منابع، استفاده‌ی بهینه از منابع مالی شرکت‌ها، کاهش حجم دخالت دولت در تأمین بودجه‌ی سازمان‌ها و مدیریت آن‌ها، سپردن تخصیص منابع به سازوکار خودسامان بخش بازار، ایجاد فضای رقابتی و درعین حال امن برای سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت، دستیابی به فنون جدید مدیریت، دسترسی به سرمایه و فناوری خارجی و در نهایت هدف‌های توزیع ثروت و درآمد، از مهم‌ترین هدف‌هایی هستند که خصوصی‌سازی دنبال می‌کند.

با توجه به مطالب‌های مورد اشاره، مهم‌ترین هدف‌های خصوصی‌سازی که بیشتر مورد توجه و استفاده قرار گرفته‌اند، عبارت‌اند از:

- ارتقای کارایی اقتصادی و بهره‌وری از سرمایه‌گذاری ملی؛
- کارآمد کردن دولت در عرصه‌ی سیاست‌گذاری؛
- تقویت و توسعه‌ی بخش خصوصی توسط بازار سرمایه و گسترش مالکیت خصوصی؛
- رشد فضای رقابتی؛

پایین است، بازارهای سرمایه ضعیف هستند و علاقه‌ی سرمایه‌گذاران عمده‌ی خارجی کم است. فروش مؤسسه‌های دولتی حتی در بخش‌های رقابتی ممکن است مشکل باشد و تدبیرهای خصوصی‌سازی موقت مانند قراردادهای مدیریت و اجاره‌ها، باید به‌عنوان یک گزینه‌ی اصلی جای‌گزین انتقال یکجا شوند. به همین صورت زمانی که خصوصی‌سازی مؤسسه‌ها در بازارهای غیررقابتی مطرح می‌شود، معمولاً مؤسسه‌های دولتی که به‌عنوان انحصارهای طبیعی مانند عرضه‌ی آب، برق و تلفن فعالیت می‌کنند، باید یک سیستم قانونی و حقوقی برای حمایت از مصرف‌کنندگان داشته باشند.

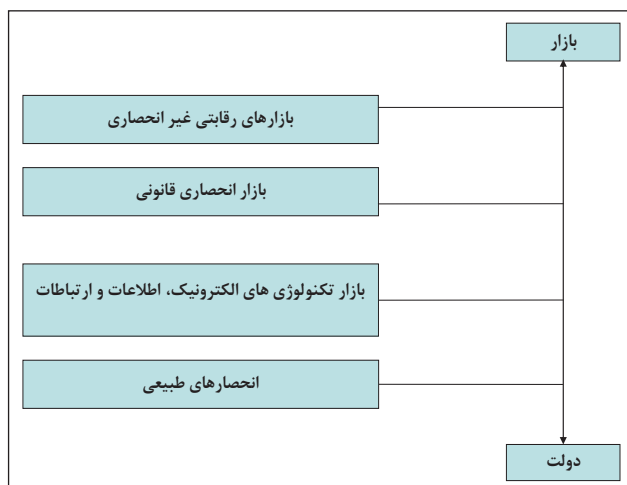


نمودار ۱- فرایند اجرای خصوصی‌سازی

در فرایند اجرای خصوصی‌سازی انجام گام‌به‌گام و علمی مرحله‌های بالا برای رسیدن به بیشترین بهره‌وری الزامی است.

هدف‌های خصوصی‌سازی

در بیشتر کشورها، خصوصی‌سازی به‌عنوان روشی برای منطقی کردن ساختار اقتصادی، کاهش فشارهای مالی واحدهای دولتی، بالا بردن کارایی منابع، گسترش مالکیت، تجهیز منابع مالی، بیشترین استفاده از تخصص‌های موجود، تقویت انگیزه‌های کاری، کاهش بوروکراسی، رویارویی با کسری در تراز پرداخت‌ها، کسب درآمد و کاهش بار سنگین خدمات دولت پذیرفته شده‌است، به طوری که شمار بسیاری از کشورها یا این سیاست را انجام دادند یا در حال اجرای



نمودار ۲- طبقه‌بندی بازارهای هدف

- حفظ حقوق تولیدکننده و مصرف‌کننده؛
- افزایش درآمدهای دولت هم‌زمان با کاهش هزینه‌های بودجه‌ای و فروش سهام شرکت‌های قابل‌واگذاری بخش دولتی؛
- افزایش رقابت و بهبود کارایی در مدیریت و عملیات مؤسسه‌های اقتصادی؛
- کاهش نقش مستقیم دولت در فعالیت‌های اقتصادی؛
- کم کردن هزینه‌های بودجه‌ای دولت ناشی از پرداخت یارانه و هزینه‌های سرمایه‌ای.

توسعه‌ی بازارهای سرمایه‌ی داخلی و دستیابی به

سرمایه، فناوری و منابع مالی خارجی

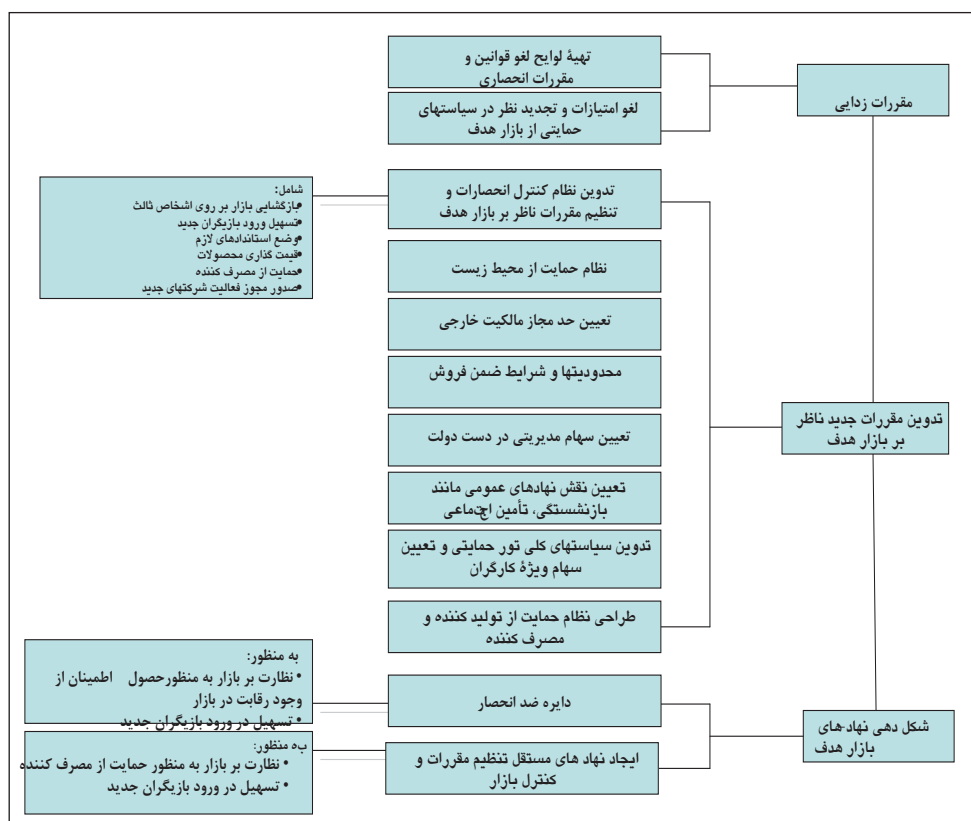
یکی از نکته‌های کلیدی در فرایند خصوصی‌سازی، طبقه‌بندی

ماهیت بازارهای هدف است.

بنابراین در فرایند خصوصی‌سازی شناخت، تحلیل و

طبقه‌بندی ماهیت بازارهای هدف، یکی از پیش‌نیازهای انجام

این مهم، به روش کارآمد و مؤثر است.



نمودار ۳- فرایند سامان‌دهی بازارهای هدف

خواهد داشت، زیرا باتوجه به اهمیت مدیریت خصوصی، هم دستگاه اداری و هم مؤسسه‌های دولتی که با مدیریت بخش خصوصی اداره می‌شوند، متحد امکان از اخراج کارکنان در دوره‌ی تجدید ساختار سازمان خودداری می‌کنند. در بلندمدت بیشتر این گرایش وجود دارد که سازمان‌های خصوصی و مؤسسه‌های وابسته به آن‌ها، افراد بیشتری را استخدام کنند (خلیلی عراقی، ۱۳۸۰، ص ۱۵۳-۱۵۲).

مشارکت کارکنان در افزایش پذیرش خصوصی‌سازی اهمیت بسزایی دارد، به‌همین دلیل کارکنان را باید از راه انگیزه‌های ویژه‌ای مانند افزایش حقوق و مزایا، افزایش مرخصی، پاداش و ... به انجام این کار تشویق کرد. در فرایند تبدیل‌شدن سازمان به یک سازمان خصوصی، کارکنان آن سازمان باید برای ابقای خود در سازمان و حتی ارتقای شغلی خود، به‌خوبی با شرایط تازه، خود و کار خود را هماهنگ سازند. این امر مستلزم به‌روز کردن داده‌های تخصصی، مرتبط بودن با سایر همکاران و نیز به‌دست آوردن آگاهی از نحوه‌ی فعالیت‌های سازمان‌های مشابه خواهد بود؛ بنابراین در تمام مدت، روند ایجاد تغییر و تحول‌های اساسی در سازمان (همانند نهادینه‌کردن خصوصی‌سازی)، رفتار شغلی کارمندان در ابقا، ارتقا یا اخراج آن‌ها از مؤثرترین عامل‌ها بشمار می‌آید.

سابقه‌ی خصوصی‌سازی در ایران

۱- خصوصی‌سازی در ایران

در ایران سیاست خصوصی‌سازی و بهره‌گیری از توان‌مندی‌های بخش خصوصی برای رسیدن به رشد و توسعه‌ی اقتصادی، در عمل از سال ۱۳۶۸ و در راستای اجرای سیاست‌های برنامه‌ی اول توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شکل گرفت. از آن زمان تاکنون روند خصوصی‌سازی با جهش‌های بزرگی در زمینه‌ی نحوه‌ی اجرا در جریان بوده است، به‌گونه‌ای

پس از انجام مرحله‌های یادشده (طبقه‌بندی بازارهای هدف و فرایند سامان‌دهی بازارهای هدف)، فرایند بازسازی ساختاری و واگذاری بنگاه‌ها و سهام بخش دولتی به‌عنوان مرحله‌ی عملیاتی فرایند خصوصی‌سازی مدنظر قرار می‌گیرد.

سازوکار خصوصی‌سازی

خصوصی‌سازی یعنی تغییر فضای حاکم بر مؤسسه‌های دولتی، به‌نحوی که درعین حفاظت از بافت اصلی فعالیت در این مؤسسه‌ها، صرفاً فضای یادشده تغییر یافته و شرایط بازار بر نحوه‌ی فعالیت مؤسسه‌ها طوری تأثیر گذارد که انگیزه و سازوکارهای بخش خصوصی، ملاک تصمیم‌گیری در مؤسسه‌ی یادشده قرار گیرد (صفر زاده، ۱۳۸۱).

طیف خصوصی‌سازی

به‌طور کلی خصوصی‌سازی طیف گسترده‌ای را شامل می‌شود که یک‌سوی آن خصوصی‌سازی کامل و سوی دیگر تجدید ساختار بنگاه‌های در مالکیت دولت است (مکین تاش، ۱۳۷۸).

خصوصی‌سازی و نیروی انسانی در سازمان‌ها

در بیشتر موردها در جریان فرایند خصوصی‌سازی، رئیس‌ان سابق مؤسسه‌های دولتی، جای خود را به مدیران حرفه‌ای سازمان‌های در مالکیت بخش خصوصی می‌دهند. نخستین وظیفه‌ی مدیران تخصصی، افزایش کارایی و رقابتی کردن هرچه بیشتر سازمان، در مقایسه با دیگر سازمان‌های در مالکیت بخش خصوصی است. این امر شامل یکرود تجدید ساختار داخلی نیز می‌شود که با همکاری تشکیلات تخصصی انجام می‌گیرد. بنابراین پیش از آغاز اقدام‌های مربوط به خصوصی‌سازی، تجدید ساختار آغاز شده و می‌تواند تا مدتی ادامه پیدا کند. فرایند خصوصی‌سازی و تجدید ساختار تأثیرهای بسیاری را بر بازار جذب و ابقای نیروی انسانی

بنگاه‌های برخوردار از ظرفیت و توان رقابتی مناسب
۴-۲- ایجاد مقرراتی به‌منظور کسب و افزایش ظرفیت‌ها
و توان‌مندی‌های بنگاه‌ها در جهت افزایش بازدهی (در
فاصله‌ی زمانی که دارایی‌های دولتی به‌طور کامل واگذار
شود)

۵-۲- دولت هدف کسب درآمد از واگذاری‌ها را نداشته باشد
بلکه برای تأثیر بر اقتصاد کلان و افزایش رقابت و
توسعه‌ی بازار و افزایش بهره‌وری و کارآمدی، بنگاه‌ها
را واگذار نماید. (قیمت‌گذاری بالا نباشد- شرکت‌ها را
در صورت لزوم با شرایط بسیار آسان خصوصی
کند).

۶-۲- عدم رقابت دولت با بخش خصوصی نباشد و ایجاد
بازار رقابتی در واگذاری بنگاه‌ها { معاملات منصفانه
و شفاف باشد.}

۷-۲- تشویق و تسهیل سرمایه‌گذاری خارجی در حوزه‌های
واگذاری (البته با رعایت همی اصل‌ها و ارزش‌ها و
منافع و مصالح کشور)

۸-۲- جایگاه حاکمیتی و نظارتی دولت نسبت به بازارهای
کسب‌وکار

۹-۲- پذیرش هزینه‌های خصوصی‌سازی و باور عملی
به این‌که منافع خصوصی‌سازی بسیار بیشتر از
هزینه‌هایش است. برای نمونه اگر فعالیت پس از
واگذاری به بخش خصوصی متوقف شود یا از بین
برود، به‌طور مسلم دارای اختلال یا مشکلی بوده
است که تا پیش از واگذاری، به‌لذیل حضور دولت
و پنهان شدن عدم کارایی‌ها، باوجود وجود اختلال‌ها
یا مشکل‌های یادشده، تداوم داشته است. بنابراین
ترس از اضمحلال فعالیت پس از واگذاری معنا ندارد
و می‌توان از مجرای ارتقای بهره‌وری و پوشش‌های
بیمه‌ای، این عدم کارایی را پوشش داد. تأکید می‌شود

که این سیاست، با تشکیل سازمان خصوصی‌سازی بر
مبنای ماده‌ی ۱۵ قانون برنامه‌ی سوم توسعه و بر مبنای
سازوکارهای قانونی مشخص و شفاف در این قانون، روح
تازه‌ای به‌خود گرفت و با کمک برخی از ماده‌های موجود در
فصل اول و پانزدهم قانون برنامه‌ی چهارم توسعه در این‌باره،
به‌صورت امری کاملاً سازمان‌دهی شده درآمد.

۲- چالش‌های خصوصی‌سازی در ایران

جامعه‌ی ایران با کشورهایی که در خصوصی کردن
اقتصاد موفق بوده‌اند، از نظر ساختار، تأسیسات و نهادهای
لازم برای واگذاری بنگاه‌های دولتی تفاوت‌های بنیادی دارد
که متأسفانه کمتر به آن توجه می‌شود. در آن کشورها
اگر خصوصی‌سازی خیلی آسان صورت می‌پذیرد، به این
دلیل است که زیرساخت‌های یک نظام آزاد و رقابتی وجود
دارد، درحالی‌که در ایران، دولت از دیرباز به‌دلیل وجود
درآمدهای نفتی، حضوری گسترده در اقتصاد داشته است و
نیز در سال‌های سه دهه‌ی اول انقلاب، به دلیل‌های گوناگون
و از جمله به‌دلیل ملی شدن بسیاری از واحدهای اقتصادی،
دولت طیف بزرگتری از فعالیت‌های اقتصادی کشور را به
کنترل خود درآورده و به‌این‌ترتیب حضور دولت در امور
اقتصادی فراتر از حدی که رسالت اجتماعی‌اش ایجاب می‌کند،
گسترده‌تر شده است؛ اما با توجه به ابلاغ سیاست‌های کلی
اصل ۴۴ و تأکید آن بر خصوصی‌سازی که از آن به انقلاب
اقتصادی یاد می‌شود، لزوم انجام اقدام‌هایی به‌شرح زیر برای
بهبود عملکرد روند خصوصی‌سازی ضروری به‌نظر می‌رسد:

- ۱-۲- اصلاح ساختار اقتصاد و ایجاد تأسیسات و نهادهای
لازم برای توانمندسازی بخش خصوصی
- ۲-۲- ممنوعیت هرگونه مداخله‌های اداری دولت در امور
بنگاه‌های اقتصادی (پیش از واگذاری بنگاه‌های دولتی)
- ۳-۲- ایجاد فرایند تدریجی واگذاری با اولویت واگذاری

مدیریت بنگاه یا فعالیت را باید هنگام انتقال مالکیت، به بخش خصوصی واگذار کرد.

۱-۲- اگر فعالیت‌های اقتصادی (صنعتی، کشاورزی، خدمات و ...) بر اساس مزیت‌های نسبی و مطلق و با رعایت هزینه- فایده‌ی اقتصادی توجیه‌پذیر باشد، به‌طورقطع انتقال هم‌زمان مدیریت و مالکیت فعالیت یادشده به بخش خصوصی، به‌دلیل وجود انگیزه‌های سودآوری در آن توسعه خواهد یافت. بنابراین بخش خصوصی نه‌تنها پتانسیل و قابلیت به‌عهده گرفتن مدیریت را دارد، بلکه منابع مالی لازم را هم می‌تواند تجهیز کند. برای این کار اقدام‌های زیر پیشنهاد می‌شود:

الف- فروش اقساطی بنگاه‌ها موردتأکید قرار گیرد و سهم آن در کل روش‌های فروش شرکت‌ها افزایش یابد.

ب- برای طلب بخش خصوصی (واقعی) از دولت، بنگاه‌های اقتصادی به طلبکاران واگذار شود. البته انتخاب نوع بنگاه‌ها و فعالیت‌ها با بخش خصوصی باشد و مدیریت بنگاه‌ها و فعالیت‌های قابل‌واگذاری هم در اختیار بخش خصوصی قرار گیرد.

در شرایط جدید اقتصاد جهانی که حوزه‌ی مدیریت بنگاه‌های اقتصادی فراتر از مرزهای جغرافیایی- سیاسی کشورهاست، واگذاری بنگاه‌های دولتی از راه شناخت قانون‌مندی‌ها، الزام‌ها و گرایش‌ها و دگرگونی‌های اقتصاد جهانی، از جمله گسترش بازارها، ظهور شرایط رقابتی نوین، رشد جریان‌های سرمایه‌گذاری و فناوری، تعامل‌های تجاری و پولی و مالی و صنعتی در سطح منطقه‌ای، ائتلاف‌های صنعتی، ورود به زنجیره‌های تولید بین‌المللی و شبکه‌های ارزش جهانی و کسب جایگاه مناسب در نظام نوین تقسیم‌کار بین‌المللی موفقیت‌آمیز خواهد بود.

با اتکا به این روش‌ها و راهکارها و الزام‌های آن است که کشور ما موفق خواهد شد از راه دسترسی به سرمایه، فناوری پیشرفته، مدیریت نوین صنعتی و بازارهای گسترده‌ی صادراتی، مشکل‌ها و تنگناهای کنونی گذار از اقتصاد دولتی به اقتصاد خصوصی محور را حل و فصل کند. تجربه‌های موفق خصوصی‌سازی برخی کشورها در دهه‌های گذشته نشان می‌دهد که پدیده‌ی درهم‌آمیزی آن‌ها با اقتصاد بین‌المللی- ضمن توجه و تأکید به ضرورت‌های ارزشی و ملی- می‌تواند از کشوری توسعه‌نیافته، جامعه‌ای صنعتی با تولید و صادرات انبوه ایجاد کند؛ بنابراین، توان‌مندی‌های بخش خصوصی، دخالت نکردن دولت در کار بخش خصوصی، ترسیم خط مرز روشن بین دولت و بخش خصوصی، تعریف و تبیین و برقراری یک نظام نظارتی مؤثر و جامع، به‌دوراز ملاحظه‌های سیاسی و صنفی، قانون‌مند شدن و احترام به قانون‌ها در درجه‌ی اول توسط خود دولت و ارکان حکومت، کوچک و کارآمد شدن دولت، ایجاد محیط رقابتی برای انجام فعالیت‌های اقتصادی، تولید و اشاعه‌ی داده‌های صحیح و ایجاد شفافیت رفتاری و اطلاعاتی، تعریف اصل‌ها و موازین ورود به کسب‌وکار و تضمین حقوق مالکیت مادی و معنوی از جمله راهکارهایی‌ست که در راستای خصوصی‌سازی، آسان‌سازی رقابت و منع انحصار از فعالیت‌های اقتصادی پیشنهاد می‌شود. با تصویب قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، پس از گذشت حدود ربع قرن از انقلاب اسلامی، یکی از بزرگ‌ترین مانع‌های حقوقی، حضور بخش خصوصی در حوزه‌های زیربنایی، نهادهای مالی و صنایع بزرگ برداشته شده است، ولی به‌تنهایی کافی نیست. واقع امر این است که باید بتوان با اجرای صحیح این قانون، اصول و چارچوبی که سلامت رفتاری اقتصاد را تضمین می‌کند، در کشور نهادینه کرد. این وظیفه البته بر دوش دولت گذاشته می‌شود تا اجزا و نهادهای لازم برای توان‌مندی، گسترش

سوم، در انتقال وضعیت از یک اقتصاد دولتی به یک اقتصاد خصوصی و شایسته‌محور، یعنی در فاصله‌ی زمانی که دارایی‌های دولتی به‌طور کامل واگذار شود، بنگاه‌های دولتی را می‌باید مشمول مقرراتی کرد که تحت آن مقررات، بنگاه‌های دولتی به شکل یک بنگاه خصوصی اداره شوند تا از یکسو بنگاه‌های جدید بخش خصوصی بتوانند به رقابت سالم با آن‌ها بپردازند و از سوی دیگر، بنگاه‌های دولتی به تدریج ظرفیت‌ها و توان‌مندی‌های رقابتی را کسب کنند و بازدهی‌شان افزایش پیدا کند.

چهارم، باید توجه داشت که فروش دارایی‌های دولتی برای افزایش درآمد دولت و جبران کسری بودجه نباید انجام شود، بلکه عرضی‌های دارایی‌های دولتی برای تأثیر بر اقتصاد کلان و افزایش رقابت و توسعه‌ی بازار است. بنابراین واگذاری موفق بنگاه‌های دولتی به معنای مشاهده‌ی آثار بهبود مدیریت در اداره‌ی مؤسسه‌های اقتصادی، باهدف افزایش بهره‌وری و کارآمدی آن‌هاست.

و سرانجام پنجم آن‌که، اکثریت قریب به اتفاق بنگاه‌های بزرگ دولتی، بدون طی مرحله‌های طبیعی رشد بنگاه، به‌یکباره با جثه‌ی بزرگ متولد شده‌اند. این نوع بنگاه‌ها پیش از واگذاری، به اصلاح ساختار نیاز دارند و صرف تغییر مالکیت این بنگاه‌ها از راه توزیع سهام آن‌ها به‌صورت رایگان یا فروش آن به قیمت اندک به مردم، تأثیری در بهبود و ارتقای مدیریت بنگاه‌ها و بازار سرمایه ندارد و به افزایش بهره‌وری و کارآمدی بنگاه‌های اقتصادی و رونق کسب‌وکار نمی‌انجامد.

اگر بخواهیم سیاست‌های حمایت از قشرهای خاصی را دنبال کنیم، بهتر آن است که از محل درآمدهای خصوصی‌سازی برای آنان هزینه کنیم و با گسترش خدمات‌های اجتماعی، برای قشرهای آسیب‌پذیر امکانات آموزشی و بهداشتی و تغذیه‌ی بهتر فراهم کنیم.

ناآشنایی مدیران اقتصادی کشور با مقوله‌ی خصوصی‌سازی

و مشارکت فعال و کارآمد بخش خصوصی کارآفرین برای استفاده‌ی مطلوب از ظرفیت‌های قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ را فراهم کند تا در نهایت به ایجاد رونق در کسب‌وکارها منجر شود. تأمین ثبات سیاسی و امنیت اقتصادی، نهادینه کردن قانون‌ها و مقررات، شفاف کردن عملکرد بنگاه‌ها، ایجاد و تقویت روحیه‌ی کسب‌وکار در بنگاه‌ها، استقرار نهادها و نظام‌هایی برای کاهش ریسک، ایجاد نهادهای مالی متناسب با شرایط بنگاه‌ها، تضمین حقوق مالکیت اعم از مادی و معنوی، رفع تبعیض و مانع‌های رقابت و تعریف اصل‌ها و موازین ورود به کسب‌وکار، از جمله اقدام‌هایی‌ست که دولت باید در روند اجرای این قانون به‌خوبی آن‌ها را انجام دهد.

با این توصیف چنانچه به دنبال آن هستیم که بخش صنعت از ظرفیت‌های قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، برای ایجاد رونق در کسب‌وکار و بهبود فضای اقتصاد کشور استفاده کند، نخست این‌که دولت باید هم‌زمان که فعالیت‌ها را واگذار می‌کند، اجزا و نهادهای لازم برای تون‌مندسازی بخش خصوصی و پشتیبانی از نظام اقتصاد بازار را شکل دهد و در واقع به اصلاح ساختار اقتصاد بپردازد. دوم آن‌که، واگذاری فعالیت‌های دولتی در یک فرایند تدریجی حساب‌شده، از بنگاه‌های برخوردار از ظرفیت و توان رقابتی مناسب شروع شود تا بخش خصوصی به تدریج قوت گیرد، مرحله‌های یادگیری را به‌آرامی طی کند و با توسعه‌ی بخش خصوصی، اجرای قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی به‌نحو کاراتری صورت پذیرد. بنابراین در واگذاری فعالیت‌های دولتی، ملاک و معیار ما نباید ارزیابی سرعت و شتاب کار باشد، بلکه موجبات این تضمین فراهم شود که پس از واگذاری بنگاه‌های دولتی، کارایی افزایش پیدا می‌کند. در واقع آثار اقتصادی و کارآمدی و عملکردی باید ملاک واگذاری بنگاه‌های دولتی باشد.

از مهم‌ترین موضوع‌های خصوصی‌سازی، بحث قیمت‌گذاری بر روی شرکت‌ها و واگذاری این شرکت‌ها، به‌بهترین نحو ممکن است، امری که تاکنون آن‌گونه که شایسته‌ی آن است، موردتوجه واقع نشده است. هرگونه اشتباه در قیمت‌گذاری واحدهای دولتی، همچون تیغ دو لبه‌ای عمل می‌کند. اگر کاستی در این قیمت‌گذاری انجام گیرد، از ارزش شرکت‌های دولتی کاسته شده و دارایی دولت به‌راحتی از دست خارج می‌شود و اگر بیشتر از قیمت اصلی قیمت‌گذاری شود، بخش خصوصی را دچار مشکل کرده و موجب انحلال این‌گونه شرکت‌ها خواهد شد (الوانی مهدی، ۱۳۸۶).

خصوصی‌سازی و کارآفرینی

تحقق هدف‌های قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و خصوصی‌سازی در راستای تحقق هدف‌های سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، لزوم توجه به کارآفرین و کارآفرینی و تأثیر مثبت آن در شتاب بخشیدن به رشد و توسعه‌ی اقتصاد ملی، ارتقای کارایی بنگاه‌های اقتصادی و بالا بردن بهره‌وری منابع مادی و انسانی و فناوری، افزایش رقابت‌پذیری در اقتصاد ملی، افزایش سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی، اشتغال‌زایی پایدار، کاستن از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت‌های اقتصادی، تشویق به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و بهبود درآمد خانوارها و گسترش عدالت اجتماعی و فقرزدایی را از اهمیت بسیار بالایی برخوردار کرده است.

در این راستا، ارزش تلقی نشدن مقوله‌ی کارآفرینی در فرهنگ عمومی جامعه، کمبود اعتمادبه‌نفس در افراد جامعه و به‌ویژه در زنان برای ایجاد و توسعه‌ی روحیه و مهارت‌ها و توانایی‌های کارآفرینی، هنجارهای رایج در زمینه‌ی تقسیم‌کار و وجود نوعی مرزبندی طبیعی میان کار زنان و مردان، فرهنگ اقتدارگرا و مردسالار و رواج باورهای سنتی و کلیشه‌های

طی دهه‌های گذشته و استفاده نکردن از تجربه‌های سایر کشورها در این زمینه، نوعی بدبینی به "خصوصی‌سازی" در افکار عمومی به‌وجود آورده است. مهم‌ترین دلایل ناکامی‌های احتمالی در حوزه‌ی خصوصی‌سازی را می‌توان فهم نادرست از مقوله‌ی خصوصی‌سازی، نبود تعریف مناسب از این مقوله و فراتر از آن حرکت در مسیری بدون چشم‌انداز از پیش تعیین‌شده ارزیابی کرد. پژوهش‌های علمی نشان می‌دهد که خصوصی‌سازی در تمام جامعه‌ها پاسخی یکسان نمی‌دهد. برای نمونه خصوصی‌سازی در کشورهایی مانند کانادا، مالزی، جمهوری چک، لهستان و تاحدودی در نیجریه جواب داده است، اما در برخی دیگر از کشورها مانند هند پاسخی دوگانه می‌دهد. در این کشور بعضی فعالیت‌های بخش خصوصی جواب مثبت و بعضی دیگر جواب منفی داده است.

باید به این نکته توجه کرد که بخش خصوصی هیچ‌گاه توان معجزه کردن ندارد، بلکه تنها می‌تواند از ظرفیت‌های موجود بین مرز بخش خصوصی و بخش دولتی که به‌طور عمده مربوط به شایسته‌سالاری است، نهایت استفاده را ببرد. در خصوصی‌سازی باید پیوند بین سیاست‌گذاران، تصمیم‌گیرندگان و مجریان ایجاد شود. تصور کنید اگر هرکدام از این مجموعه‌ها، وظیفه‌ی خود را به‌خوبی انجام ندهند و قرار بر این باشد که کامیابی‌ها را برای خود و ناکامی‌ها را به رده‌های پایین‌تر انتقال دهند، چه وضعیتی پیش خواهد آمد.

البته خصوصی‌سازی تنها عامل یگانه‌ی موفقیت اقتصاد ایران و شاهراه فرایند توسعه نخواهد بود؛ اما واقعیتی که وجود دارد این است که ما باید به یک اصل مهم به نام "الگوپردازی از بهترین‌ها" که در دنیا متداول است بر مبنای ارزش‌های دینی- ملی توجه کنیم. هنگامی که دیگر کشورها را مورد مطالعه قرار دهیم، می‌بینیم بهترین اقتصادها را کشورهای دارند که توانسته‌اند ترکیبی بسیار مناسب از بخش‌های دولتی، خصوصی، تعاونی و تشکلهای غیردولتی به‌وجود آورند.

- جنسیتی، نبود و کمبود آگاهی و شناخت گسترده و عمیق جوانان و زنان از محیط‌های اجتماعی، مهاجرت فزاینده جمعیت از روستا به شهر و نداشتن سواد و مهارت و توان‌مندی‌های موردنیاز برای کارآفرینی، نبود فضای مناسب و مشوق و برانگیزاننده برای شکل‌گیری کسب‌وکارهای خلاقانه، نگرش‌ها و ارزش‌های دولت‌مدارانه در کارجویان، تصدی‌گری بیشتر فعالیت‌های اقتصادی کشور توسط شرکت‌ها و مؤسسه‌های دولتی و در برابر فضای محدود کسب‌وکار برای مردم، ارج و منزلت قائل نبودن نهادهای مالی برای کارآفرینی، تسلط شدید دولت و حکومت بر اقتصاد، به‌ویژه به‌لحاظ اقتصاد مالی و مقررات بیش‌ازحد و حکمرانی نامناسب آن، نبود و کمبود زیرساخت‌های نهادی، حقوقی و فیزیکی برای ایجاد و توسعه کارآفرینی، نبود ارتباط و تعامل مطلوب با دنیا و درنهایت نبود و کمبود امنیت اقتصادی و تضمین حقوق مالکیت، ازجمله چالش‌هایی‌ست که در روند توسعه کارآفرینی، فراروی جامعه ما قرار دارد و اگر این چالش‌ها به فرصت تبدیل نشود، در بلندمدت آثار زیان‌باری بر فرایند رشد و توسعه کشور تحمیل خواهد کرد؛ بنابراین برای ترویج، اشاعه و توسعه کارآفرینی در ایران راهکارهایی به شرح زیر پیشنهاد می‌شود. بدیهی‌ست با توجه به نقش محوری دولت در تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه کشور، عملیاتی نمودن این پیشنهادها، از مهم‌ترین وظیفه‌های محوری دولت در زمینه توسعه کارآفرینی محسوب می‌شود.
- نظام آموزش و پرورش پژوهش‌محور ایجاد و توسعه یابد (با تأکید بر کارآفرینی در بخش خصوصی: بر اساس اصل ۴۴)؛
 - انواع کارآفرینی‌های فردی و سازمانی مورد تشویق و حمایت قرار گیرند (با تأکید بر بخش خصوصی: بر اساس اصل ۴۴)؛
 - مبنای کارآفرینی و انگیزه‌های کسب‌موفقیت و ویژگی‌های دانش‌آموزان، دانشجویان و والدین آن‌ها آموزش داده شود (با تأکید بر
- کارآفرینی در بخش خصوصی: بر اساس اصل ۴۴)؛
 - مربی کارآفرینی در سطح‌های گوناگون آموزش، از پیش‌دبستان تا دانشگاه تربیت شوند (با تأکید بر کارآفرینی در بخش خصوصی: بر اساس اصل ۴۴)؛
 - کارآفرینان جوان ویژه کسب‌وکارهای کوچک تربیت شوند (با تأکید بر کارآفرینی در بخش خصوصی: بر اساس اصل ۴۴)؛
 - مرکزهای کارآفرینی در شهرداری‌ها و سایر مؤسسه‌های عمومی ایجاد و گسترش پیدا کنند (با تأکید بر کارآفرینی در بخش خصوصی: بر اساس اصل ۴۴)؛
 - قانون‌ها و مقررات مالی، مالیاتی، بانکی، گمرکی، اداری، کار و تأمین اجتماعی در جهت حمایت و توسعه کارآفرینی اصلاح شوند (با تأکید بر کارآفرینی در بخش خصوصی: بر اساس اصل ۴۴)؛
 - دانشکده‌ها و آموزشگاه‌های کارآفرینی در جهت تسریع فرایند کارآفرینی تقویت و گسترش یابند (با تأکید بر کارآفرینی در بخش خصوصی: بر اساس اصل ۴۴)؛
 - انواع حمایت‌های آموزشی، مشاوره‌ای، مالی و اقتصادی، فنی و تخصصی، بازاریابی، پژوهشی و مدیریتی در جهت توسعه کارآفرینی صورت پذیرد (با تأکید بر کارآفرینی در بخش خصوصی: بر اساس اصل ۴۴)؛
 - مرکزهای رشد و پارک‌های علم و فناوری بیش‌ازپیش ایجاد و مورد تشویق و حمایت قرار گیرند (با تأکید بر کارآفرینی در بخش خصوصی: بر اساس اصل ۴۴)؛
 - سند ملی و برنامه‌های راهبردی ویژه توسعه کارآفرینی تدوین شود (با تأکید بر کارآفرینی در بخش خصوصی: بر اساس اصل ۴۴)؛
 - شبکه‌های نوین اطلاع‌رسانی و حمایت‌کننده از کارآفرینان ایجاد و توسعه پیدا کنند (با تأکید بر کارآفرینی در بخش خصوصی: بر اساس اصل ۴۴)؛
 - نظام‌های سنجش و توسعه کارآفرینی به‌طور هوش‌مندانه

- طراحی و به‌کار گرفته شود (با تأکید بر کارآفرینی در بخش خصوصی: بر اساس اصل ۴۴):
- جشنواره‌ی ملی و استانی در سطح‌های گوناگون کارآفرینی بیش‌ازپیش برگزار شود (با تأکید بر کارآفرینی در بخش خصوصی: بر اساس اصل ۴۴):
 - داستان‌های مستند کارآفرینان در کتاب‌های درسی دانش‌آموزان گنجانده شود (با تأکید بر کارآفرینی در بخش خصوصی: بر اساس اصل ۴۴):
 - فیلم‌های مستند حرفه‌ای و کارتونی ویژه کارآفرینی تهیه شود (با تأکید بر کارآفرینی در بخش خصوصی: بر اساس اصل ۴۴):
 - مسابقه‌های انتخاب ایده و برنامه‌ی کسب‌وکار ویژه دانش‌آموزان و دانشجویان برگزار شود (با تأکید بر کارآفرینی در بخش خصوصی: بر اساس اصل ۴۴):
 - مؤسسه‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر ویژه فعالیت‌های کارآفرینانه ایجاد شود (با تأکید بر کارآفرینی در بخش خصوصی: بر اساس اصل ۴۴):
 - ارتباط بین کارآفرینان با یکدیگر و نیز با تمام گروه‌ها، نهادها، سازمان‌ها و مؤسسه‌های دست‌اندرکار کارآفرینی در داخل و خارج از راه شبکه‌سازی آسان شود (با تأکید بر کارآفرینی در بخش خصوصی: بر اساس اصل ۴۴):
 - اصلاحات ساختاری و ایجاد بسترهای قانونی و حقوقی مناسب برای فعالیت‌های سالم و رقابتی و حذف رانتهای اقتصادی صورت گیرد (با تأکید بر کارآفرینی در بخش خصوصی: بر اساس اصل ۴۴):
 - ظرفیت‌های علمی و فنی کسب‌وکارهای کوچک به‌طور اعم و کارآفرینانی که این کسب‌وکارها را ایجاد می‌کنند، افزایش یابد (با تأکید بر کارآفرینی در بخش خصوصی: بر اساس اصل ۴۴):
 - بین مرکزهای گوناگون با ماهیت فعالیت‌ی متفاوت مانند
- دانشگاه‌ها، مرکزهای پژوهشی و کسب‌وکارها، همکاری عمیق و ریشه‌دار صورت گیرد (با تأکید بر کارآفرینی در بخش خصوصی: بر اساس اصل ۴۴):
- خدمات مشاوره‌ی در زمینه‌های فروش و بازاریابی، تهیه و تدوین طرح‌های توجیهی و استراتژی رقابت، بهبود کیفیت، مدیریت مالی، قانون‌ها و مقررات، صدور کالا و خدمات، کاربرد فناوری اطلاعات و کامپیوتر و طراحی محصولات و خدمات جدید، به صاحبان کسب‌وکارهای کوچک و کارآفرینانی که اقدام به تأسیس و راه‌اندازی کسب‌وکار جدید کرده‌اند، ارائه شود (با تأکید بر کارآفرینی در بخش خصوصی: بر اساس اصل ۴۴):
 - پرورشگاه‌های (نکوباتور) کسب‌وکارهای جدید تأسیس شوند (با تأکید بر کارآفرینی در بخش خصوصی: بر اساس اصل ۴۴):
 - ارتقای کسب‌وکارهای کوچک از راه شناسایی نقطه‌ضعف‌ها و مشکل‌های آن‌ها مانند نبود رقابت و در نتیجه نبود تخصص، مدیریت ضعیف، نبود دانش فنی و نبود استاندارد کیفیت انجام پذیرد (با تأکید بر کارآفرینی در بخش خصوصی: بر اساس اصل ۴۴):
 - مشوق‌هایی به بنگاه‌های کوچک، به‌منظور تنظیم یک استراتژی جامع کسب‌وکار ارائه شود (با تأکید بر کارآفرینی در بخش خصوصی: بر اساس اصل ۴۴):
 - تسهیلات پولی و زیربنایی اساسی به‌شکل زمین آماده و کارگاه‌های صنعتی در اختیار افرادی که دارای روحیه‌ی ریسک‌پذیری و کارآفرینی هستند، ولی از لحاظ مالی و تجهیزات کارگاهی دچار مشکل‌اند، قرار گیرد (با تأکید بر کارآفرینی در بخش خصوصی: بر اساس اصل ۴۴):
 - با این توصیف، روشن است که تدوین و تصویب قانون ایجاد فضای مناسب برای کارآفرینی و رفع مانع‌های کسب‌وکار (با تأکید بر کارآفرینی در بخش خصوصی: بر اساس اصل ۴۴) ضروری‌ست.

بورس و خصوصی سازی

اشاره‌ی اول؛ اثرهای متقابل بورس و خصوصی سازی: بازار سرمایه و به‌طور مشخص، بورس اوراق بهادار اگرچه سازوکاری مؤثر در انجام برنامه‌های گسترده‌ی خصوصی سازی است و کارآمدی عملکرد آن، با توجه به ساختار تنظیمی و نظارتی مدون، زیرساخت‌های فنی و نیروی انسانی آموزش‌دیده، احتمال موفقیت واکتاری سهام شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی را به‌طور چشم‌گیری از اوایل دهه‌ی ۹۰ میلادی تاکنون که بیشتر از صد کشور جهان، خصوصی سازی فعالیت‌های اقتصادی را به‌عنوان یک ابزار سیاست اقتصادی پذیرفته‌اند، گسترش برنامه‌های خصوصی سازی با رشد سریع حجم معامله‌ها در بورس‌های اوراق بهادار، همراه بوده است. به‌عبارت‌دیگر، خصوصی سازی و بورس اوراق بهادار، اگرچه در ظاهر سیاست و ابزار اجرای سیاست به‌نظر می‌رسند، اما در عمل دو عامل تأثیرگذار بر یکدیگر محسوب می‌شوند. عملکرد کارآمد بورس اوراق بهادار، به افزایش کارایی فرایند خصوصی سازی منجر می‌شود و انجام مطلوب برنامه‌های خصوصی سازی، رشد و توسعه‌ی فعالیت‌های بورس اوراق بهادار را در پی دارد.

نولتها نیز هرچند به خصوصی سازی به‌عنوان ابزاری برای افزایش درآمدهای خود و در مرحله‌ی بعد، افزایش کارایی و بهره‌وری اقتصادی شرکت‌های دولتی می‌نگرند، اما انتظار دارند اجرای برنامه‌ی خصوصی سازی از راه عرضه‌ی عمومی سهام، به توسعه‌ی بازار سرمایه‌ی کشور هم منجر شود که بر پایه‌ی مطالعه‌های انجام‌شده، خود عامل تحریک و تقویت رشد و توسعه‌ی اقتصادی است. دکتر حسین عبده تبریزی- دبیرکل سابق بورس، طی یادداشتی با این مقدمه، تأثیرگذاری خصوصی سازی بر رشد بازار سرمایه و به‌طور مشخص بورس اوراق بهادار را با شاخص‌هایی طرح می‌کند که بدین قرار است:

۱- ارزش بازار:

ارزش بازار، بهترین معیار برای سنجش اندازه‌ی بازار سرمایه نسبت به اندازه‌ی اقتصاد ملی است. این متغیر که از مجموع حاصل ضرب تعداد اوراق بهادار پذیرفته‌شده در قیمت آن‌ها به‌دست می‌آید، سنجش مناسبی برای ارزیابی جایگاه بازار در اقتصاد ملی یا قیاس دو بازار مجزا از نظر اندازه و بزرگی است. بدیهی‌ست در مسیر انجام برنامه‌های خصوصی سازی، تعداد اوراق بهادار پذیرفته‌شده در بورس به‌شدت افزایش پیدا می‌کند و این عامل در یک بازار نزولی هم می‌تواند باعث افزایش ارزش بازار شود. بنابراین، منطقی‌ست فرض کنیم که نخستین اثر عرضه‌ی عمومی سهام شرکت‌های دولتی در بازار سرمایه، افزایش ارزش بازار در بورس درگیر انجام فرایند باشد، چنانکه عرضه‌ی فقط دو شرکت دولتی در بورس تهران در روزهای پایانی سال ۱۳۸۵، رشد چشم‌گیر ارزش بازار را به‌همراه داشته است.

۲- ارزش معامله‌ها و نقد شوندگی:

ارزش معامله‌های انجام‌شده در هر بورس، به‌طورمعمول بازتاب‌دهنده‌ی سطح فعالیت آن بورس است. هرچه نسبت فعالیت بورس، یعنی نسبت ارزش معامله‌ها به ارزش کل بازار، بیشتر باشد آن بورس از قدرت نقد شوندگی بالاتری برخوردار است. به‌عبارت‌دیگر، تبدیل پول به اوراق بهادار و به‌عکس، در آن راحت‌تر انجام می‌شود. از طرف دیگر، این بورس‌ها از توانایی جذب حجم بزرگی از معامله‌های اوراق بهادار، بدون تحمیل اثر معنادار بر قیمت‌ها برخوردارند. پذیرش سهام شرکت‌های جدید که در چارچوب سیاست‌های خصوصی سازی عرضه می‌شوند، با توجه به تنوع فعالیت آن‌ها، بدون شک عامل افزایش قدرت نقدشوندگی بازار است؛ زیرا فرصت‌های سرمایه‌گذاری بیشتری در اختیار سرمایه‌گذاران قرار می‌دهد و باعث افزایش توان سرمایه‌گذاران در تبدیل متقابل پول و اوراق بهادار می‌شود.

۳- پذیرش اوراق بهادار:

مقررات زیبایی از اقتصاد ملی، از راه‌های گوناگون به گسترش بازار سرمایه منجر می‌شود که مهم‌ترین آن افزایش تعداد شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس است. این سیاست با حذف یا آسان‌سازی مقررات ویژه و گاه سخت‌حاکم بر شرکت‌های دولتی و تعمیم قانون‌های جاری تجاری بر شرکت‌های یابنده، باعث می‌شود شرکت‌های بیشتری از امکان پذیرش در بورس برخوردار شوند. از طرف دیگر بیشتر شرکت‌های پذیرفته‌شده، پس از پذیرش در بورس، اقدام به افزایش سرمایه و انتشار اوراق بهادار جدید می‌کنند که نتیجه‌ی نهایی آن افزایش اندازه‌ی بازار و گسترش مالکیت سهام‌داران و همچنین ایجاد فرصت‌های مناسب برای متنوع‌سازی پرتفوی و مدیریت بهتر ریسک خواهد بود. از سوی دیگر، بر پایه‌ی نظریه‌های اقتصادی، آزادسازی فعالیت‌های اقتصادی و مقررات‌زدایی با افزایش نرخ تسهیلات بانکی همراه است که این عامل نیز تمایل شرکت‌ها به پذیرش در بورس و تأمین مالی آسان‌تر از راه بازار سرمایه را افزایش خواهد داد.

۴- زیرساخت‌های بازار:

موفقیت برنامه‌ی خصوصی‌سازی و اجرای کارآمد آن، مرهون توسعه‌ی زیرساخت‌های نهایی و مقرراتی و رویه‌های جاری بازار است که از آن جمله می‌توان به ارتقای سیستم‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، ایجاد نهادهای تسهیل‌کننده معامله‌های اوراق بهادار از جمله سپرده‌گذاری اوراق بهادار و تدوین قانون‌ها و مقررات جدید اشاره کرد. به عبارت دیگر، خصوصی‌سازی، بورس اوراق بهادار را به توسعه‌ی زیرساخت‌هایی مجبور می‌کند که برای گسترش و توسعه‌ی بازار در درجه‌ی اول اهمیت قرار دارند.

۵- اطلاع‌رسانی و آموزش:

با انجام خصوصی‌سازی از راه بورس، فرایند اطلاع‌رسانی نیز توسعه‌ی پیدا می‌کند و سرمایه‌گذاران سریع‌تر و گسترده‌تر

در جریان داده‌ها و خبرهای بازار قرار می‌گیرند. این موضوع امکانات رسانه‌ای گسترده‌ای در اختیار بورس قرار می‌دهد تا از آن برای توسعه‌ی سواد مالی و آگاهی عمومی و همچنین افزایش انگیزه‌های سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه استفاده کند.

۶- افزایش توجه دولت و حرفه‌ای‌گری:

اجرای برنامه‌های خصوصی‌سازی از راه بازار سرمایه، به‌طورعموم باعث توجه بیشتر دولت به بازار سرمایه می‌شود که این امر می‌تواند به درپیش گرفتن سیاست‌هایی منجر شود که گسترش بازار را در پی دارند. از طرف دیگر فعالیت سرمایه‌گذاران خارجی و افراد حرفه‌ای داخلی در برنامه‌های خصوصی‌سازی، واسطه‌های مالی و مقام‌های بازار سرمایه را به رعایت مقررات و استانداردهای جهانی در بازار موظف می‌کند که گام مهمی در ارتقای کارایی بازار است.

۷- افزایش تعداد سهام‌داران و بهبود مالکیت فردی:

یکی از تأثیرهای مهم برنامه‌های خصوصی‌سازی، گسترش پایه‌ی سهام‌داری و ارتقای مالکیت فردی است که دولت‌ها به‌طورعمده از روش‌های ترجیحی برای دسترسی به این هدف‌ها استفاده می‌کنند. سهام‌داران حقیقی، فعالان آتی بازار سرمایه خواهند بود که در کنار سهام‌داران نهایی مانند صندوق‌های سرمایه‌گذاری، صندوق‌های بازنشستگی و بیمه‌ها، به‌طور فعال در بازار حاضر خواهند شد. البته تأثیرگذاری سهام‌داری فردی با توجه به تعداد و اندازه‌ی آنان در راهبری شرکت‌های واگذارشده قابل‌توجه نخواهد بود؛ به‌همین دلیل سازمان‌های منطقه‌ای سهام‌داری مانند شرکت‌های سرمایه‌گذاری و تعاونی منطقه‌ای، جای‌گزین‌های بهتری در مدیریت شرکت‌ها بشمار می‌روند. برنامه‌های خصوصی‌سازی از راه ارتقای قدرت نقدشوندگی و توسعه‌ی زیرساخت‌ها، افزایش آگاهی عمومی از بازار، توسعه‌ی پایه سهام‌داری، افزایش توجه دولت، تخصص‌گرایی و ایجاد فرصت‌های مناسب برای تنوع

چنانچه سهام یکی از بنگاه‌ها در بورس ارائه شود، روش تعیین قیمت سهام بدین ترتیب خواهد بود که مبنای قیمت‌گذاری، قیمت فروش نقدی سهام در بورس خواهد بود.

خصوصی‌سازی از راه بورس برتری دارد

نظرسنجی‌های انجام‌گرفته و منتشرشده تأیید می‌کند که بیشتر افراد بر این باورند که واگذاری سهام شرکت‌های دولتی از راه بورس، بهترین روش برای توسعه بازار سرمایه، کشف قیمت‌ها، ایجاد جو اعتماد به بورس و افزایش حجم معامله‌هاست، اما درعین‌حال اذعان دارند که بورس به‌عنوان یک وسیله است و باید بسترهای لازم برای جذب مردم، قانون‌ها الزام‌آور و الزام‌ها برای شفاف‌سازی و جلوگیری از روش‌های دستوری برای قیمت‌گذاری فراهم شود.

از میان روش‌هایی که برای خصوصی‌سازی پیش‌بینی شده، در روش مزایده، غالباً شرکت‌ها به‌دلیل زیان‌ده بودن یا نداشتن شرایط لازم برای پذیرش در بورس، قیمت‌گذاری و عرضه می‌شوند. بورس روش بهتری برای واگذاری است. در واگذاری از راه بورس معمولاً تقاضای حقیقی برای سهم پیش‌بینی می‌شود و به‌غیراز سازمان خصوصی‌سازی، بازار نیز در تعیین قیمت نقش دارد. علاوه بر گرایش عمومی بر برتری روش بورس باور بر این است که خصوصی‌سازی از راه بورس باعث رونق بورس نیز می‌شود، بدین ترتیب که مهم‌ترین عامل در حفظ رونق و جلوگیری از حباب قیمتی در بازار را عرضی سهام شرکت‌های جدید و واگذاری سهام شرکت‌ها توسط سهام‌داران عمده و نهادهای مالی و شبه‌دولتی اعلام کرد.

نتیجه‌گیری:

راسل کاف در کتاب برنامه‌ریزی ملی خود می‌نویسد "هیچ ملتی نمی‌تواند آن عزم لازم برای تغییر و تحول را داشته باشد مگر این‌که این چند قدم را طی کند. قدم اول تعهد

ریسک، به گسترش و توسعه بازار سرمایه کمک می‌کند و گسترش بازار سرمایه بر پایه دیدگاه‌های اقتصادی، موتور محرک رشد اقتصادی کشور است. بنابراین، نتیجه‌گیری می‌شود که اگرچه خصوصی‌سازی به‌طور مستقیم افزایش کارایی و بهره‌وری فعالیت‌های اقتصادی و در نتیجه افزایش رشد اقتصادی را به دنبال دارد، به‌طور غیرمستقیم با توسعه بازار سرمایه، به این امر کمک می‌کند. بنابراین، لازم است قوای سه‌گانه با بسیج همه نیروها و امکانات، در انجام دقیق و کامل سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی تلاش کنند تا از بستر این انقلاب اقتصادی، اقتصاد پیشرفته‌تر و توانمندتری برای کشور برای تحقق الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت ترسیم شود.

۸- قانون سیاست‌های اصل ۴۴ نقش ویژه‌ای را برای بورس قائل شده است، به‌طوری‌که در بسیاری از مواد آن برای بورس وظیفه و مأموریتی در نظر می‌گیرد این تأکید و اهمیت جایی نمایان‌تر می‌شود که قانون سیاست‌های اصل ۴۴ چهار تأکید بر رقابت دارد و درصد محدود کردن انحصار است. در این قانون روش‌های گوناگونی برای واگذاری بنگاه‌ها پیشنهاد شده است، اما آنچه بر اساس این قانون دارای برتری است، فروش بنگاه از راه عرضه عمومی سهام در بورس‌های داخلی یا خارجی است. همچنین امکان واگذاری این شرکت‌ها در بورس‌های خارجی نیز فراهم شده است که در این صورت مجوز لازم باید با رعایت قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی و قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران و به پیشنهاد هیأت واگذاری توسط شورای عالی اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ (۴۴) قانون اساسی صادر می‌شود. جایگاه و اهمیت بورس، تدوین‌کنندگان این قانون را بر آن داشته است که در شورای عالی اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ چهار قانون اساسی، جایگاهی نیز برای رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار قائل شوند.

- ۱- ایجاد فضای حمایتی لازم برای حضور بخش خصوصی در اقتصاد (به صورت عملی)؛
- ۲- گرفتن الزامها و تعهدهای موردنیاز از بخش خصوصی برای رعایت سطح پذیرفتنی از وظیفه‌ها و مسؤولیت‌ها؛
- ۳- تقویت و گسترش بازار سرمایه و تسهیل سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و جلب مشارکت منابع مالی داخلی و خارجی برای تسریع امر خصوصی‌سازی (جلب سرمایه‌های داخلی و خارجی یکی از مهمترین مسائل خصوصی‌سازی است)؛
- ۴- کنترل و نظارت بر رفتار بنگاه‌های اقتصادی و اگنار شده برای اطمینان از ادامه حفظ اشتغال و عملیات سرمایه‌گذاری در آن‌ها؛
- ۵- کم‌رنگ کردن نقش دولت و فعالیت‌های تصمیم‌گیری و کنترلی آن و واگذاری این نوع فعالیت‌ها به بخش خصوصی؛
- ۶- تدریجی و آرام اجرا نمودن خصوصی‌سازی در بنگاه‌ها؛ زیرا تجربه کشورها نشان می‌دهد که در این زمینه عجله و شتاب جایز نیست؛
- ۷- تعیین روش‌های مناسب خصوصی‌سازی؛ مطابق با هدف‌های ملی و راهبردهای کلان اقتصادی (ترکیبی از روش انتشار سهام و فروش دارایی‌ها به سرمایه‌گذاران خارجی و کارکنان بنگاه‌های خصوصی شونده پیشنهاد می‌شود)؛
- ۸- وضع قانون‌ها جدید و حذف بوروکراسی در سازمان بورس اوراق بهادار؛
- ۹- با توجه به این‌که خصوصی‌سازی تنها واگذاری سهام شرکت‌های دولتی نیست، بلکه فضا سازی برای حضور و مشارکت مردم در پهنه اقتصاد است، بنابراین دولت باید در کنار واگذاری سهام بنگاه‌ها و انتقال آن‌ها به صاحبان اصلی آن (مردم)، به آماده‌سازی فرهنگ و زمینه‌های افزایش نقش مردم و اعطای اختیارها و مسؤولیت‌ها به آن‌ها بپردازد *IRRM*

اجتماعی‌ست به این معنی که خود را متعهد ببیند. پس از آن در مرحله دوم باید خود را مسؤول ببیند و در مرحله سوم در ازای آن مسؤولیت پاسخگو باشد."

نتیجه این‌که اگر خصوصی‌سازی را در چارچوب تعریف شده‌ای هدایت کنیم و از ابزارها و امکانات موجود به روش درست استفاده کنیم، بدون شک روند خصوصی‌سازی دستاوردهای مطلوبی را برای کشور به همراه خواهد داشت.

بنابراین تغییر ساختار مالکیت و ساختار نظارت و کنترل برای موفقیت فرایند خصوصی‌سازی ضروری است. به موازات تغییر ساختار مالکیت و واگذاری مؤسسه به بخش خصوصی، انجام اصلاحات در ساختار سازمانی، نیروی انسانی و قانون‌ها و مقررات بانکی، امری بدیهی است که موضوع رقابت، پس از بازارگرا کردن مؤسسه و توانایی رقابت در محیط متلاطم و رقابتی تسریع‌کننده این تغییرها هستند. همچنین کاهش و جابجایی نیرو و افزایش بیکاری و تورم، بدون توجه به محیط داخلی سازمان، از جمله پیامدهای محتمل خصوصی‌سازی در کوتاه مدت است.

در بحث انتخاب روش خصوصی‌سازی، موضوع‌هایی از جمله توانایی و تخصص کارکنان، قدرت مالی مؤسسه، هدف‌های دولت، ساختار فعلی شرکت و نوع فعالیت آن، درجه‌ی توسعه‌یافتگی بازار سرمایه و عامل‌های اجتماعی مهم هستند؛ و در نهایت خصوصی‌سازی هدف نیست، بلکه ابزاری برای رسیدن به هدف (کارایی اقتصادی) است؛ بنابراین امید است با به‌کارگیری صحیح روش‌های علمی و کارآمد فرایند خصوصی‌سازی در چهارچوب الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، نیل به هدف‌های چشم‌انداز بیست‌ساله پیش‌ازپیش محقق شود.

پیشنهادات:

برای اجرای موفق فرایند خصوصی‌سازی در نظام اقتصادی و تولیدی کشور موردهای زیر پیشنهاد می‌شود:

P

Privatization, Concepts, Opportunities and Challenges

R. Habibi*

Assistant Prof., Department of management, Payame Noor University (PNU), Tehran, Iran

*Corresponding author Email: drhabibir@gmail.com

Received: December 2017, Accepted: January 2018

Abstract: One of the principle factors in the economic development of developing countries, as well as the dynamic economy in the world is "privatization". Escrow process of privatization and market- oriented mechanism to achieve their priorities, and will include a wide range from the complete privatization of the state-owned enterprise is restructuring, This requires reform of the economic system Sakhtarmaly and administrative staffing and use moderation formidable force, eliminate, or cope with laws and government red tape and ... That is the major economic constraints to eliminate or mitigate And ultimately increase economic efficiency and production. This requires efficient management. However, to convey the general policies of Article 44 by the Supreme Leader and his emphasis on strengthening the private sector and the private sector capable Drthqq unique Islamic model-Iranian progressv (According to the guidelines of the Supreme Leader), in this paper has explained the basic principles and objectives for a successful privatization process, and the factors that modify or control measures (management) of successful implementation of this process The system provides an economical and productive, is described.

Keywords: Privatization, Islamic patterns- Iranian progress, Productivity, Principle 44, Reducing the size of government, Competitive.